



ترجمه

و

جایگاه

ترجمه

قرآن کریم

رسول معتمدی

الرَّحْمَنُ * عِلْمُ الْقُرْآنِ * خَلْقُ
الْإِنْسَانِ * عِلْمُهُ الْبَيَانُ^۱

حمد و سپاس بی قیاس خدای را
که انسان را به زینت علم آراست
و هدف از خلقت را علم و عرفان
قرار داد و حمد خدای را که به انسان
نوشتن آموخت و آنچه را نمی دانست
به او عطا فرمود:

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عِلْمَ الْإِنْسَانِ
مَالِمَ يَعْلَمُ^۲

حمد و ستایش خدای عزوجل را
که قرآن را برای هدایت خلق به
استوارترین راه، نازل فرمود:

ان هذا القرآن يهدي للتي هي

اقوم^۳

بهترین سلام ها و درودها بر
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم که ابلاغ
این کتاب عظیم را به عهده گرفت و
طی ۲۳ سال معارف آن را بر بشر
عرضه نمود.

بهترین صلوات مصلین بر ولی^۴
پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، امیر مؤمنان
علیه السلام که او را در همه این ۲۳ سال
یاور بود و آیه ای نازل نشد مگر اینکه
او بر همه اسرار آن آگاه شد.

و درود بر اهل بیت
پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم که خود، قرآن
ناطق و راسخان در علم و عالمان به
تأویل هستند، و به ویژه آخرین حلقه
ولایت و امامت، امام زمان
مجتبای الله تعالی فرجه الشرف و جعلنا من
انصاره.

همانا اسلام، دین خداست ... و برای
تبلیغ آن بهترین خلقش را برگزید ...
و قرآن، نوری که خاموشی ندارد و چراغی
که فروغش را زوال نیست و دریایی که
اعماقش را درک نتوان نمود و راهی که
گمراهی در آن نیست و شعاعی که پرتو آن
تیرگی نگیرد و فرقانی که درخشندگی
دلیلش خاموش نگردد ... و خداوند آن را
سیرابی عطش دانیان و بهار دل‌های
مجتهدان و مقصد راه‌های نیکان قرار
داد ...^۵

ترجمه چیست؟

۱- وزن صرفی کلمه [ترجمه]:
در محل ضبط و تعیین ریشه کلمه

ترجمه - شاید بعلت معرب
بودن آن - در معاجم عربی اختلاف
واضطرابی دیده می شود. عده ای
آن را از ماده رجم می دانند و تالی
آغاز آن را زاید می شمارند
و گروهی از ماده ترجم گرفته اند:

جوهری^۵ در معجم الصحاح
اللغة در ریشه رج م ضبط نموده
است و آورده است: و يقال: قد
ترجم كلامه، اذا فسره بلسان آخر.
راغب اصفهانی^۶ نیز در
المفردات فی غریب القرآن از
همین ریشه به معنی سخن گفتن از
روی حدس و گمان، آورده است
و... والترجمان تفعلان من
ظالک.^۷

ابن منظور^۸ در لسان العرب
یکبار آن را در ریشه رج م آورده
است و یکبار هم در ماده ترجم.

۱- رجـم : الترجمان
و الترجمان: المفسر، قد ترجمه
و ترجم عنه ... و يقال: قد ترجم
كلامه اذا فسره بلسان آخر، ومنه
الترجمان.

۲- ترجم : الترجمان
و الترجمان: المفسر للسان.

الترجمان، بالضم والفتح: هو
الذي يترجم الكلام ای ينقله من لغة
الی لغة اخرى.

فیومی^{۱۱} نیز در کتاب لغت خود
المصباح المنیر از ریشه ترجم آورده
است.

در بین علمای معاصر علامه



شیخ آقا بزرگ تهرانی^{۱۲} نیز از ماده ترجم دانسته و چنین آورده است:

الترجمة رباعی البناء لان فعله ترجم كدحرج و اصل معناه التفسیر والكشف والبیان، یقال «ترجمه» فستره و بیته و «ترجم لسانه» اذا فستره بلسان آخر و «الترجمان» مفسر اللسان كما في الصحاح والقاموس و «مترجم الكتاب» من فستره الى لغة اخرى.^{۱۳}

۲- معنی ترجمه:

در فرهنگ‌ها و معاجم کلمه «ترجمه» و «ترجمان» را معرب از «ترزفان» و «ترزبان» گرفته‌اند و گفته‌اند:

ترزبان به معنی: چرب زبان و نیکو گفتار است همچنانکه تردست به معنی: شعبده باز و کسی که تند و سریع کارهایی را انجام می‌دهد.

در دربار شاهان قدیم ایران افرادی بنام ترزبان بوده‌اند که گرداندن زبان نامۀ سران دیگر ممالک به فارسی را انجام می‌دادند و یا در دیدارها به کار دیپلماسی و مترجمی مشغول بوده‌اند.^{۱۴}

بعداً ترزبان به صورت ترجمان معرب شده است.^{۱۵} همچنانکه خفاجی^{۱۶} در کتاب شفاء العلیل فیما ورد فی الکلام العرب من الدخیل چنین آورده است: «ترجمان معرب کلمه ترزبان است یعنی رطب اللسان».^{۱۷}

علامه میرسید شریف جرجانی^{۱۸} می‌نویسد:

«ترجمان تعریب ترزفان است و در وی سه لغت است: «ترجمان» [بر وزن زعفران] و «ترجمان» [بر وزن عنفوان] و «ترجمان» [بر وزن ریهقان].

الترجمه، تفسیر کردن زبانی به زبان دیگر.^{۱۹}

پس از این که ترجمان معرب شد فعل رباعی «بر وزن دحرج، بدحرج» از آن ساخته شد و مصدر «ترجمه» بوجود آمد.^{۲۰}

ترجمان علاوه بر معنی برگرداندن زبانی به زبان دیگر به معنی توضیح و بیان و تبیین کننده نیز آمده است، همچنانکه ابن عباس را ترجمان القرآن لقب داده‌اند.^{۲۱} و در کلام امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز به همین معنا آمده است:

«هذا القرآن أما هو خط مسطور بین الدفتین لا یطق بلسان ولا یدک من ترجمان».^{۲۲}

این قرآن خطی است نوشته شده در میان دوپاره جلد که به زبان سخن نمی‌گوید و ناچار برای آن مترجمی (بیانگری) لازم است.

و باز حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

رسولک ترجمان عقلک و کتابک ابلیغ ما یطق عنک.^{۲۳}

فرستاده تو توضیح دهنده و بیانگر عقل توست و نامه تو رساترین چیزی است که از جانب تو سخن می‌گوید.

۳- تاریخچه ترجمه:

ترجمه آثار از زبانی به زبان دیگر از دیرباز مورد نظر جوامع متمدن و دارای فرهنگ بوده است. یکی از معاصرین در این مورد می‌نویسد:

... ترجمه مکتوب تورات توسط هفتاد تن از علمای یهودی در قرن دوم قبل از میلاد به منظور رفع نیازمندیهای جامعه یهودی ساکن اسکندریه که سه چهارم جمعیت این مرکز فرهنگی را در آن زمان تشکیل می‌دادند و به زبان یونانی تکلم می‌کردند انجام شد و البته از این ترجمه همواره تحت اللفظی و نارسا یاد می‌شود.

ترجمه انجیل نیز به زبان‌های لاتین، سریانی، قبطی و ارمنی کمی پیشتر از آن شروع شده بود و با توسعه روزافزون جامعه مسیحی آن زمان همراه بود و البته آن هم ترجمه کلمه به کلمه که امروزه جین نایدا (Eugene Nida) بزرگترین مترجم و کارشناس کتاب مقدس آن را «عملی غیر قابل اغماض» می‌شمارد اما خوانندگان انجیل، انگیزه از تعصبات مذهبی، حفظ صورت اولیه کلام خداوند را بسیار مقدس می‌شمردند و به همین دلیل ترجمه غیر تحت اللفظی جروم (Jerome) اولین کسی که در قرن چهارم میلادی ترجمه‌ای از پیام و محتوای انجیل بدست داد با انتقاد شدید مترجمان و خوانندگان روبه‌رو شد و این واقعه سرآغاز بحث بر سر شیوه ترجمه و لزوم تعیین اصول و مبانی ترجمه شد. در قرون وسطی، ترجمه در اروپای غربی منحصر بود به مباحث، مقالات

ومتون مذهبی به زبان لاتین. در قرن نهم و دهم، بغداد مرکز ترجمه آثار کلاسیک یونان به زبان عربی بود و هیأت‌هایی از علما و متفکران شام جهت ترجمه آثار سقراط و افلاطون و بقراط به بغداد روی می‌آوردند. در قرن دوازدهم «تولدور» در اسپانیا مرکز آموزش و ترجمه آثار کلاسیک یونان به زبان لاتین بود.

با پیدایش رنسانس پرداختن به کار ترجمه در جوامع فرهنگی اروپای غربی از هرسو رواج گرفت.^{۲۴}

ترجمه در ایران نیز از دیرباز مورد نظر بوده است، همچنانکه کتاب ارزشمند کلیله و دمنه که از زبان سانسکریت توسط «برزویه» طبیب به زبان پهلوی بازگردانده شد و پس از اسلام به عربی ترجمه گردید شاهد بر این مدعاست.

ترجمه از عربی به فارسی و بالعکس از ابتدای ورود اسلام و زبان عربی به ایران (۱۶ هـ ق) آغاز گردید و ویژه در دوره عباسیان که نهضت ترجمه از لغات مختلف به عربی شروع شد ترجمه از فارسی نیز رواج یافت. پس از دفع سلطه اعراب از ایران و همزمان با ایجاد حکومت‌های ایرانی ترجمه از عربی به فارسی رواج یافت. از جمله ترجمه تفسیر طبری به فارسی در زمان سلطنت منصور بن نوح سامانی (۳۵۰-۳۶۵ هـ ق).

در قرن اخیر همزمان با رشد سایر علوم کار ترجمه نیز رشد و رونق بی‌سابقه‌ای داشته است. ترجمه قرآن نیز که بحث اصلی ماست از این رشد برخوردار بوده

است و در حالی که در طول ۱۳ قرن قبل از قرن حاضر بیش از ۵۰ ترجمه وجود ندارد^{۲۵} در صده اخیر حدود ۲۰ ترجمه از قرآن انجام شده یا در حال انجام است و این گذشته از دهها تفسیر فارسی است.

دقت، حساسیت و مشکلات

ترجمه قرآن کریم

آنچه مسلم است آوردن کلماتی که بتواند با قرآن حکیم، هم‌آوردی کند محال است چرا که تحدی^{۲۶} قرآن هم به معنی است و هم به لفظ. و از آنجا که تحدی قرآن همیشگی است و هرگز بشر قدرت آوردن مانند آن را ندارد، اگر بحث ترجمه قرآن می‌شود مقصود این نیست که در مقابل قرآن واقع شود بلکه تنها برای درک بهتر کلام خداست. چنانکه قرآن برای عرب زبانها نیز باید ترجمه و تفسیر شود و کلام «قرآن ناطق» یعنی امیرالمؤمنین علی علیه السلام را آوردیم که فرمود: *هنا القرآن... لا بد له من ترجمان*.^{۲۷}

اما آنچه بیش از همه رخ می‌نمایاند اینکه گرچه ترجمه، آوردن معانی کلمات قرآن به زبان دیگر و در قالب زبان دیگر است ولی آوردن کلمات و جملاتی که گویای معانی بلند و بلیغ قرآن باشد حقیقتاً امری بسیار مشکل و دشوار است همچنانکه جاحظ (متوفای ۲۲۵ هـ ق) که یکی از ادیبان بزرگ فرقه معتزله و یکی از پیشوایان علم بیان

است، کتابی درباره نظم و اسلوب قرآن نگاشت که منظور از آن اثبات این مطلب است که قرآن به سبب نظم و اسلوب و تألیف شیوا، و ترکیب بدیعش معجزه است، و از آن رو در وصف بیان قرآن استدلال می‌کند که: و در کتاب نازل شده (آسمانی) چیزی که ما را به صدق آن دلالت می‌کند، نظم بدیع آن است، که بندگان توان گفتن مثل آن را ندارند.^{۲۸}

همانطور که وی متوجه این نکته شده که الفاظ قرآن را امتیازی است علاوه بر نظم. آوردن الفاظ متقارن و همراه با هم، که گویی از یکدیگر جدا نمی‌شوند، مانند الفاظ، صلوة و زکوة، جوع و خوف، جنت و نار، رغبت و رهبت، مهاجرین و انصار، جن و انس.^{۲۹ و ۳۰}

براستی آن کمال بی‌مانند قرآن مجید و آن لطافت بیان و فصاحت و بلاغت کلام، بدور از هرگونه تصنع و تکلف، و در نهایت زیبایی و اعجاز «در لفظ و معنی» چگونه ترجمه شود!!؟

برای اینکه تنها نمونه‌ای آورده باشیم و قطره‌ای از دریای بیکران قرآن را نمایانگر باشیم، نمونه ذیل را از کتاب بدیع القرآن به اختصار و تصرف ذکر می‌کنیم:

ابداع آن است که هر لفظی از الفاظ کلام به تنهایی به تناسب استعداد کلام، و مفاد معنایش متضمن یک یا دو بدیع باشد



بگونه ای که در یک بیت یا یک جمله تعدادی از انواع بدیع تحقق یابد، و کلمه ای از آن خالی از یک یا دونوع بدیع یا بیشتر نباشد.

...آیه ای که از آن ۲۱ نوع از انواع بدیع استخراج نموده ام، با وجودی که تعداد الفاظش ۱۷ کلمه است:

وقیل یا أرض ابلعی ماءك ویا سماء اقلعی وغبض الماء وقضی الأمر واستوت علی الجودی وقیل بعداً للقوم الظالمین^{۳۱}

شرح انواع بدیع آن را از این قرار است:

از آنجا که تحدی

قرآن همیشگی

است و هرگز بشر

قدرت آوردن

مانند آن را ندارد،

اگر بحث ترجمه

قرآن می شود

مقصود این نیست

که در مقابل

قرآن واقع شود

بلکه تنها برای

درک بهتر

کلام خداست.

۱- مناسبت تام: میان ابلعی واقلمی

۲- مطابقت لفظی: درد کلمه أرض

وسماء

۳- استعاره: ابلعی واقلمی برای لرض

وسماء

۴- مجاز: یا سماء حقیقت آن یا

مطر السماء است.

۵- اشاره: غبض الماء خداوند با این

دولفظ، معانی بسیاری بیان داشته، زیرا:

آب فرو نمی رود مگر باران بایستد،

و زمین آبهای جاری از چشمه ها را

بیلعد،

و در نتیجه آبهای جمع شده روی زمین

کاهش یابد.

۶- اراداف: استوت علی الجودی

خداوند از استقرار کشتی بر این مکان،

ونشستن آن بدون انحراف و کجی به منظور

آرامش اهل کشتی، با لفظی نزدیک به

حقیقت خبر داده است.

۷- تمثیل: قضی الامر نابودی

نابودشدگان و رهایی رهایی یافتگان را با

لفظی بیان داشته که نسبت به لفظ مرادف

تاحدی از لفظ معنای حقیقی دور است.

۸- تعلیل: از آن روی که فرو رفتن آب

علت استقرار کشتی است.

۹- صحت تقسیم: وآن هنگامی است

که خدای- سبحان- اقسام حالات آب را از

زمان نقصان فرابوشانیده است، زیرا حالت

نقصان جز این نیست که آب آسمان حبس

و چشمه های زمین بسته، و آب جاری بر

روی آن کاهش می یابد.

۱۰- احتراص: وقیل بعداً للقوم الظالمین

خداوند به واسطه این جمله از پندار کسی که

می پندارد چه بسا هلاکت شامل کسانی

شده که سزاوار هلاکت نبوده اند،

جلوگیری کرده است. خداوند نفرین بر

هالکان را آورده تا دانسته شود که ایشان

سزاوار هلاکت بوده اند.

۱۱- انفصال: فرمود وقیل بعداً

للفظالمین بلکه لفظ للقوم را آورد تا الف و لام

مبین تعریف عهد به قوم نوح در آیات قبلی

(۳۷ و ۳۸) باشد.

۱۲- مساوات: لفظ آیه نه بیشتر، و نه

کمتر از معنای آن است.

۱۳- حسن نسق: عطف رویدادها با

یکدیگر با بهترین ترتیب و مطابق وقوع

آنها:

فرمان به زمین در فرو بردن آب- عدم

بارش آسمان- کاهش آب- هلاکت

ظالمین و نجات مؤمنین- استقرار کشتی-

نفرین بر هلاکت یافتگان.

۱۴- اتلاف لفظ با معنی: لفظ دیگر

شایستگی ندارد جایگزین الفاظ این آیه

شود.

۱۵- ایجاز: کوتاهترین عبارت ...

بطوری که خبری از اخبار را فرو نگذاشته

است.

۱۶- تسهیم: بخش اوگ آیه تا اقلعی

آخر آیه را می طلبد.

۱۷- تهلپ: تک تک الفاظ به صفات

حسن متصف است ... و از الفاظ زشت

خالی، و ترکیب الفاظ از تعقید و موجبات

آن میراست.

۱۸- حسن بیان: شنونده در معنای

کلام درنگ نمی کند و چیزی بر او مشکل

نمی گردد.

۱۹- تمکین: فاصله آیه با تکلف و تدبیر به دست نمی آید بلکه خود می آید. (نقل از پاورقی)

۲۰- انسجام: جریان کلام به آسانی و با دلنشینی و لفظ مستحکم است.

۲۱- ابداع: در ضمن همه آیه تحقیق یافته، هر لفظی از الفاظش یک یا دو نوع از انواع بدیع حاصل شده است، این آیه ۱۷ کلمه است و ۲۱ نوع از انواع بلاغت را دربر گرفته است... پس خدای رحمت کنادا عظمت این کلام را تماشا کن، و آن ظریفی که نظمش دربر دارد و لفظش فرا گرفته بین! ۳۲

حال کدام ادیب و سخنور را توان ادعای آوردن کلامی از این سنخ تواند بود چه برسد آوردن شبیه یا مانند آن. ۳۳

دیگر اینکه رموز و الفاظ قرآن را با توجه به ظهر و بطن آن، محکم و متشابه آن، ناسخ و منسوخ آن، اعجاز و اسلوب آن، تشبیهات و استعارات و مجازات آن، ایجاز و مساوات و اطناب آن، مثلها و قسمهای آن، فصاحت و بلاغت آن، عدم اختلاف و اشتباه و تناقض آن، وجوب و نظایر آن، اسباب و کیفیت نزول آن، فواتح و خواتیم سور آن، فضایل و خواص آن، تکرارها و خطابات آن، تاویل و تنزیل آن، جری و انطباق آن، لغت و مفردات آن، چگونه توان ترجمه کرد! ۱۱۹

باید اذعان داشت که دشوارترین

کار در زمینه ترجمه، ترجمه قرآن است، زیرا:

اولاً: قرآن، کلام خداوند است انتخاب هر واژه با کلمه آن بر اساس حکمتی صورت گرفته که بسیاری از آن حکمتها برای انسانها در همه اعصار قابل شناخت و احصا نیست. ثانیاً: رسالت قرآن به گستردگی هدایت همه نسلها در همه عصرهاست تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیراً ۳۴ و بنابراین کتابی است جاودانه و دستور العملی و هدایتی است ابدی.

ثالثاً: هدف قرآن، شریفترین هدفها، یعنی رهایی انسان از ظلمت به سوی روشنایی است کتاب انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور ۳۵

این خصوصیتها است که قرآن را بر هر نوشته بشری امتیاز می بخشد و ترجمه آن را در مقایسه با هر متن دیگر حساس و دشوار می نماید. چرا که ترجمه قرآن باید اتقان، جذابیت، لطافت، زیبایی، تأثیرگذاری و تحول آفرینی و جاودانگی قرآن را بنمایاند.

لغات و ترکیبات مخلوق، «مترجم» پیوسته با گذشت زمان تغییر می یابد و حلاوت خود را از دست می دهد، اما الفاظ و ترکیبات و آهنگ آیات الهی با گذشت قرنها، همان حلاوت و جذابیت خود را

حفظ کرده است.

اصولاً قرآن کریم فرهنگ و نگرش و تعبیرات خاصی دارد و یک کلی هماهنگ بر آن حاکم است، و بدون شناخت آن فرهنگ و دریافت آن روح، ترجمه قرآن به شکل صحیح و کامل صورت نخواهد گرفت. بدین جهت مترجم قرآن باید، سالها در وادی شناخت فرهنگ و دریافت روح و پیام قرآن کار کرده باشد تا از عهده ترجمه آن بطور نسبی برآید. ۳۶

مشکل دیگری که در ترجمه قرآن بیشتر از همه رخ می نمایاند مسئله هدایت قرآن و انتقال لطائف و روح و نور قرآن در ترجمه است که تقریباً امر نزدیک به محال است.

زیرا سخن از کتابی است که: ... یهدی للنی هی اقوم است ۳۷ و عظیم است ۳۸ و حکیم است ۳۹ و مبین است ۴۰ و مجید است ۴۱ و کریم است ۴۲ و هدی للمتقین است ۴۳ و هدی للناس است ۴۴ و شفاء و رحمة للمؤمنین است ۴۵ و لایزید الظالمین الا خسار است ۴۶ و هدی الله یهدی به من یشاء است ۴۷ و بصائر من ربکم و هدی و رحمة لقوم یؤمنون است ۴۸ و بیان للناس و هدی و موعظة للمتقین است ۴۹ و برهان من ربکم است ۵۰ و حمید است ۵۱ و بلاغ است و بینة است و حق الیقین و ذکر الحکیم است و روح است و شفاء است و



صحف مکرمه است و صدق است و عربی مطهره است و عروة الوثقی است و عزیز است و علی است و فرقان است و کتاب الله است و کوثر است و مبارک است و مثانی است و مهیمن است و موعظه است و نور است و هادی و هدی و وحی و رحمت است و بالاخره قرآن است. و ترجمه چنین کتابی به واقع امری دشوار است. ۵۲ ولی به هر حال و با این همه: لابد له من ترجمان ۵۳

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید ۵۴

آیا ترجمه قرآن کریم

جایز است؟

ترجمه قرآن کریم از دیرباز مورد بحث بوده است و مخالفین و موافقین ترجمه قرآن، کتبی در این زمینه نگاشته اند و یا بخشی از کتب خود را به آن اختصاص داده اند، همچنین مراجع و علمای مذاهب فتواهی در این مورد صادر کرده اند که به اختصار آنها را بررسی می نمایم:

الف - مخالفان ترجمه قرآن:

جاحظ «ادیب مشهور قرن سوم هجری» در کتاب الحیوان چنین می نویسد:

کسانی که دوستدار شعرند و آن را پاس می دارند و به هواخواهی از آن حاجت می آورند می گویند که مترجم هرگز

نمی تواند آنچه را حکیم، بر طبق خصایص تعابیر و حقایق آراء و دقائق ایجازات و تعاریف خود، بیان می کند به زبان خود برگرداند نمی تواند حق سخن او را ادا کند، شرط امانت را در آن بجای آورد و به ایفای وظیفه ای که هر عهده دار و کالتی ملزم به رعایت آن است قیام کند. چگونه این اوصاف را بیان کند و معانی آنها را برساند، و از آنها، بر وفق صدق و حقیقت آنها، خبر دهد بی آنکه در علم به معانی آنها و استعمال الفاظ و وقوف بر برد معنایی آنها همپایه مؤلف باشد؟ ...

مترجم باید در آنچه ترجمه می کند توانا باشد و خود نیز صاحب همان دانشی باشد که مؤلف دارد. باید هم در زبانی که از آن ترجمه می کند و هم در زبانی که به آن ترجمه می کند تبحر داشته باشد، به قسمی که هر دو زبان را به یک اندازه و هم به غایت بداند. وقتی که به دو زبان سخن می گوید به هر دو زبان می رساند، زیرا هر یک از دو زبان دیگری را جذب می کند، از آن اخذ می کند و معارض آن است. چگونه می تواند در عین حال در هر دو زبان به اندازه وقتی توانا باشد که تنها یک زبان می داند؟ آدمی بیش از یک قوه ندارد، اگر تنها به یک زبان سخن بگوید تمامی این قوه در آن صرف می شود. بر این قیاس اگر مترجم به بیش از دو زبان سخن بگوید ترجمه او به تناسب آن بیشتر زیان می بیند. هر چه علمی دشوارتر باشد و دانایان به آن کمتر باشند به همان اندازه کار بر مترجم آن علم دشوارتر است و به همان اندازه مترجم بیشتر در معرض خطا می افتد ...

آنچه گفتیم در صورتی است که موضوع ترجمه، کتابهای هندسه و نجوم و حساب و موسیقی باشد، حال قیاس کنید که وضع به چه متوال خواهد بود اگر موضوع ترجمه کتابهای دین باشد که در آنها سخن از خدای عزوجل است و اینکه چه سخنانی در حق او رواست و چه سخنانی روا نیست ... مترجم باید بداند ... مثل چیست؟ و بدیع چیست و اشاره کدام است و کتابه کدام، و تفاوت میان اطناب و مساوات و ایجاز چیست؟ ...

... خلاصه اینهاست اندکی از امور

بسیاری که هرگاه مترجم نداند در معنی سخن به راه خطا می افتد و خطا در دین به مراتب زیانبارتر از خطا در ریاضیات و صناعت و فلسفه و شیمی و ... است. ۵۵ از کلام جاحظ می توان، دریافت که در آن زمان (قرن سوم هجری) مسأله ترجمه قرآن به زبانهای دیگر و به ویژه به فارسی در میان بوده و جاحظ با اطلاع و درک عمیقی که از قرآن داشته با ترجمه آن موافق نبوده است. به همین سبب است که فراوان می بینیم که اوصاف زبان و سبک بیان قرآن را برمی شمرد تا نشان دهد که ترجمه قرآن به زبانی دیگر تا چه پایه دشوار بلکه محال است.

در ورای این مسئله تلاشهایی از سوی زبانهای مادری «یا ملی» دیده می شود که همه می کوشند تا خود وسیله انتقال احکام دین شوند. ایرانیان، ترکان، هندیان، یونانیان



رسالت قرآن به گستردگی هدایت همه نسلها در همه عصرهاست تبارك الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیراً وبنابر این کتابی است جاودانه و دستور العملی و هدایتی است ابدی .

شیخ عبد اللطیف السبکی عضو
مجلس اعلای شئون اسلامی
مصر، در کتاب فی ریاض القرآن
ترجمه قرآن را غیر ممکن و حرام می
شمارد.
شیخ محمد سلیمان نایب دادگاه
شرع در مصر علیا، در کتاب حدیث
الاحداث فی الاسلام.
حسن الشر بنلالی در کتاب
النفحة القدسیة.
محمد رشید رضا^{۵۷} در تفسیر
المنار و کتاب وحی محمدی که
ماحصل کلام وی چنین است:
ترجمه ها از رساندن معانی که باید

و سرایان همه می خواستند در
زمینه مذهب به زبان خود تعلیم
و تعلم کنند. شاید هیئت‌هایی که
معتزلیان «جا حظ خود از معتزله
بود» پسایی نزد ملل دیگر که به
زبانهای مختلف سخن می گفتند
گسیل می کردند به این مسئله دامن
می زدند که چگونه باید اسلام را به
مردمانی که زبان مادریشان عربی
نیست و حتی یک کلمه از زبان عربی
نمی دانند تبلیغ کرد؟

و این نوگسرویدگان چگونه
می توانند تکالیف مذهبی خود را به
جای آورند یا نمازهای پنجگانه
روزانه خود را به پای دارند بی آنکه از
لحاظ زبان وسیله ای داشته باشند که
این کارها را برایشان آسان کند؟
بنابراین می بینیم که مسئله بسیار
جدی بود و می بایست هر چه زودتر
راه حلی برای آن یافت.^{۵۶}

در میان علمای معاصر «اهل
سنت» عده ای با ترجمه قرآن
مخالفت ورزیده اند. از جمله: شیخ
احمد فهمی محمد که منظومه ای
بنام آیه التنظيم، تدافع عن القرآن
الکریم در مخالفت با ترجمه قرآن
سروده است.

ادیب محمد هیهاوی در کتاب
ترجمه القرآن الکریم، غرض
للسیاسة و فتنة فی الدین.

محمد مصطفی الشاطر در کتاب
القول السدید فی حکم ترجمه
القرآن المجید.

عبارات عالی و سبک معجزه آسای آن
مفهوم شود عاجز است زیرا این ترجمه یا
فقط چیزهایی را که مترجم قرآن فهمیده
می رساند و ثابت و محقق شده است که
بعضی از مترجمین تحریف‌هایی
کرده اند.^{۵۸} خیلی کم اتفاق می افتد که
درست قرآن را فهمیده باشند و می توان
گفت در تمام این مترجمین دو نقص وجود
دارد که اولی نفهمیدن آن بطور لازم
و دومی تصورشان در لغت است ... به
همین جهت از کارهای یهوده
و کوششهای بی نتیجه است که انسان
در صدد باشد تأثیر زیبا و فوق العاده این نثر
بی مانند را که مانند آن شنیده نشده به زبان
دیگری ادا کند.^{۵۹}

علاوه بر کسانی که کتاب مستقل
در مخالفت با ترجمه قرآن نوشته اند
عده ای نیز بخشی از کتب خود را به
این امر اختصاص داده اند. ۶۰
و عموماً تنها با ترجمه تفسیری قرآن
موافق هستند.

زرقانی در کتاب
مناهل العرفان^{۶۱} چنین نقل
می نماید:

شافعی^{۶۲} در المجموع، ج ۳،
ص ۳۷۹ می گوید: در مذهب ما قرائت
قرآن به غیر زبان عربی جایز نیست، چه
قادر به تکلم باشد یا نباشد و چه در نماز باشد
یا در غیر نماز. و اگر در نماز ترجمه قرآن را
بخواند نمازش صحیح نیست.

وزرکشی در البحر المحیط^{۶۳}
می گوید: ترجمه قرآن به فارسی و زبانهای
دیگر جایز نیست بلکه باید به همان زبانی که

اعجاز به آن تعلق دارد خواند شود و ترجمه از این اعجاز قاصر است... خداوند فرموده بلسان عربی مبین^{۶۴}... و قفال^{۶۵} در فتاوی خود گفته است: به نظر من هیچ کس قادر نیست قرآن را به فارسی درآورد و چون به او گفته شد که: در این صورت هیچ کس قادر به تفسیر آن هم نیست. پاسخ داد: چنین نیست زیرا در تفسیر قسمتی از مراد خداوند آورده می شود اما اگر ترجمه شود آوردن تمام مراد خداوند ممکن نیست.

ب - قائلین به جواز ترجمه قرآن:

در مقابل گروه اول عده ای به جواز ترجمه قرآن رأی داده اند^{۶۶} از جمله در عهد سلطنت منصور بن نوح سامانی (۳۵۰، ۳۶۵ هـ ق) به فتوای علمای^{۶۷} وقت تفسیر طبری به فارسی برگردانده شد.

در دوره معاصر قهرمان این نظریه شیخ محمد مصطفی المراغی^{۶۸}، شیخ الازهر و قاضی القضاة مصر و سودان بوده است. وی در سال ۱۳۵۱ هجری قمری بحث کامل و جالبی در مورد حکم ترجمه قرآن به زبانهای غیر عربی صادر نمود و به خواندن ترجمه قرآن در نماز فتوا داد! بحث وی به اجماع علمای مسلمان به جواز ترجمه قرآن کریم منجر گردید. شیخ مصطفی مراغی در آن موقع به فتوای علمای مذهب حنفی استناد نمود^{۶۹} و در

سال ۱۳۵۵ هـ ق به بحث خود نظرات بزرگان مذاهب حنبلی و شافعی و مالکی را اضافه نمود و مجله الازهر (صفر سال ۱۳۵۵ هـ ق) آن را منتشر نمود. ۷۰ و به دنبال آن استاد محمد فرید وجدی، مدیر مجله الازهر، کتابی تحت عنوان *الادلة العلمية في جواز ترجمة القرآن الى اللغات الاجنبية* در تأیید نظر شیخ مصطفی مراغی نگاشت.

مطلبی که در اینجا باید ذکر شود این است که با توجه به این که اسلام دینی است زمان شمول و مکان شمول یعنی در همه عصرها و برای همه نسلها و در همه مکانها قابل اجرا می باشد^{۷۱} لذا آشنایی با کلام خدا از ضروریات است و مخالفت با ترجمه قرآن «هرچند در بین اهل سنت در کشورهای عربی هنوز طرفدارانی دارد» ابدأ منطقی و صحیح نبوده و البته ترجمه قرآن خود قرآن نیست و تنها برای تقریب معانی به ذهن و برای کمک به فهم کلام خداست به ویژه برای فارسی زبانها که با متن قرآن آشنا هستند و ترجمه جهت کمک به تدبیر در آیات می باشد و اصولاً دلایلی که مخالفان ترجمه قرآن می آورند دلایلی صحیح و منطقی نیست و همه جواب دارد از جمله:

۱- با ترجمه قرآن، زبان عربی که از عوامل اتحاد و همبستگی و ارتباط میان مسلمین است از بین می رود.

۲- معانی و مفاهیم قرآن در عین غموض و پیچیدگی، عمیق و گسترده است و غیر قابل ترجمه می باشد.

۳- ترجمه ها نمی تواند جنبه های اعجاز لفظی و معنوی قرآن را بیان کند.

۴- ترجمه ها نمی تواند مانند تعبیر قرآن اعجاز آمیز باشد.

۵- ترجمه قرآن نوعی تجرّی و جسارت است و...^{۷۲} که همه اینها جواب داده شده و ترجمه قرآن به زبان های دیگر از باب وجوب و ترجمان و تفسیر برای قرآن و فهم آیات الهی می باشد.

شیعه و ترجمه قرآن

در طول تاریخ پرافتخار تشیع هیچ فقیهی فتوا در مورد حرمت ترجمه قرآن صادر ننموده است همچنانکه هیچ فقیهی خواندن قرآن را به زبان غیر عربی در نماز جایز ندانسته است^{۷۳} و فقهای شیعه احکامی که بر متن قرآن جاری است در ترجمه آن واجب نمی دانند «مانند حرمت مس آن ب-دون طهارت^{۷۴}، وجوب سکوت در موقع استماع آن و غیره» لذا آنان ترجمه قرآن را، قرآن نمی دانند و آن را کمکی برای فهم بهتر آیات می دانند.

درین علمای شیعه تنها شیخ آقابزرگ تهرانی تا حدی سختگیری

نموده است هر چند ایشان نیز قائل به رعایت شرایط ترجمه و جواز ترجمه هستند. مطالبی را که ایشان در کتاب الذریعة آورده اند ترجمه نموده می آوریم:

... از آنجا که قرآن شریف مشتمل بر مطالبی است که ظاهر و باطن آن را کسی نمی داند بجز خدای تعالی یا کسی که خداوند به او علم کتاب را اعطاء کرده است، مانند سایر کتبی که بشر آنها را تألیف کرده است امکان نقل آن به سایر لغات وجود ندارد، پس به کدامین کلام فوایح سور ترجمه گردد؟ و به چه چیز متشابهاتی که لازمه عمل به ظواهر آن خلاف واقع و مقصود است ترجمه شود؟ و در مواردی که اختلاف اعراب یا ماده معنی دیگری می دهد به کدام یک از قرائتها ترجمه شود؟ و چگونه مزایای کلام عربی و لطایف آن در ترجمه حفظ گردد؟ و کدامین زبان در بردارنده بدایع ادبی و جهات بلاغی است که بتواند معادل قرآن واقع شود و ترجمه آن محسوب گردد؟

البته، ترجمه ظواهر آیات احکام و اخلاق و قصه ها و امثال قرآن به زبان دیگر امکان دارد هر چند بواسطه ترجمه، همه مزایایی که جن و انس از آوردن یک آیه مانند آن عاجزند از میان می رود و با وجود این نزد اهل خبره این ترجمه لباس دومی برای معانی الفاظ الهی محسوب می شود، لذا شایسته است که در ترجمه جمیع شئون و احترامات عرفی که در اصل آن وجود دارد رعایت شود و از هنک و توهین به آن احتراز شود. البته سایر احکامی که در شرع

مقدس برای متن قرآن واجب است در ترجمه نیست اگرچه آن ترجمه حرف به حرف با متن قرآن مطابقت نماید مانند حرمت مس آن بدون طهارت و حرمت نجس شدن آن و وجوب ازاله نجاست از آن و وجوب خواندن آن در نماز و وجوب سکوت موقع شنیدن آن، چه اینها مختص به متن عربی قرآن است... و قرآن به بسیاری از لغات ترجمه شده است. ۷۵

مقدمات، شرایط و کیفیت ترجمه قرآن کریم

قل لئن اجتمعت الانس والجن علی أن یأتوا بمثل هذا القرآن لایأتون بمثله ولو کان بعضهم لبعض ظهیرا ۷۶

آنچه مسلم است قرآن حکیم آن گونه که حق آن است - غیر قابل ترجمه است و ترجمه تنها تلاشی برای بیان معنی کلام خداوند است. قرآن مجید از نظر لفظ و معنا به همه کتابها و سخنان انسانها برتری دارد و همه در مقابل آن سر تعظیم فرود آورده اند و از این جهت از جانب پروردگار یکتا است و همه حق و یقینی بوده و هیچ سستی و خللی در آن راه پیدا نمی کند و هیچ کس را قدرت هم آوردی و برابری با آن نیست زیرا همچنان که قرآن معجزه خالد و جاویدان است تحدی آن نیز پایدار و همیشگی است.

ترجمه قرآن تنها برای فهم معانی لغوی آیات برای آنان که به زبان

عربی آشنا یا مسلط نیستند صورت می گیرد و کاری بس دشوار است که باید به دقت و با توجه به مقدمات و شرایط خاص آن انجام شود. ما بطور اختصار این شرایط را ذکر می کنیم:

۱) تسلط به زبان مبدا و مقصد مترجم باید به هر دو زبان متن و ترجمه آشنایی دیرین و ژرف داشته و کاملاً مسلط باشد. نسبت به نکات و دقایق هر دو زبان دانا بوده و از اسلوب ها و خصایص هر دو زبان آگاه باشد. در ترجمه قرآن و جوه اعراب آیات را در نظر گرفته و به بهترین وجه ترجمه نماید زیرا گاه از اعراب مختلف، معنای متفاوتی منتزع می گردد.

۲) مفردات در آوردن معادل برای هر واژه دقت کافی انجام شود و معانی حقیقی کلمات با توجه به ریشه آن استخراج و با آگاهی از جوه و نظایر لغات، بهترین معنا انتخاب گردد و از به کار گرفتن لغات نامأنوس جداً پرهیز شود.

در ترجمه از آنجا که مترادف واقعی و صددرصد وجود ندارد بلکه تقارن در مفهوم کلی آنهاست باید مناسبترین کلمه از میان لغات مترادف و متشابه انتخاب شود و علاوه بر آن با توجه به اختلاف کلمات در ماده و ریشه هر لغت

و اینکه در صیغه‌های مختلف معانی متفاوت دارد باید هر کلمه در معنی حقیقی خود و با توجه به صیغه خاص آن کلمه ترجمه شود.

۳) رعایت فصاحت و بلاغت

اطلاع دقیق و صاحب نظر بودن در مسایل بلاغت و فصاحت به طوری که از لطایف و ظرایف معانی، بیان و بدیع قرآن به نحو احسن استفاده نماید و بتواند این لطایف را با اسلوب زبان مقصد تطبیق داده و ترجمه نماید.

در ترجمه قرآن باید قوانین و لطایف فصاحت و بلاغت که در حد اعجاز در قرآن وجود دارد در نظر گرفته شود.

از آنجا که تغییر در ساختار جمله گاهی سبب تغییر در مفهوم و معنی جمله می‌گردد لذا تقدیم و تأخیر حساب شده در آیات باید مورد توجه قرار گیرد. به طور مثال اگر در آیه *إياك نعبد وإياك نستعين* مفعول بر فعل و فاعل مقدم شده به چه منظوری بوده است.

۴) قدرت نگارش

مترجم باید استعداد نویسنده‌گی داشته باشد و غیر از ترجمه، خود صاحب اثر باشد نه این که چون نمی‌تواند بنویسد، ترجمه نماید.

مترجم باید دارای انشای ادیبانه، سلیس، روان، روشن و رسا باشد

و ترجمه‌ای قابل فهم و درک همگان ارائه نماید همچنین از دقت، هوش، ذوق سلیم، ظرافت، صبر و حوصله، مهارت و تجربه کافی برخوردار باشد و نسبت به اصول و مبانی ترجمه تبحر داشته باشد.

همچنین باید ترجمه کامل، صحیح و مستغنی از متن اصلی و بدون نیاز رجوع به متن اصلی کاملاً رسا باشد و محتوای متن اصلی را بطور کامل در برداشته باشد و هیچ بخشی از آن از میان نرود و جمیع معانی و مقاصد متن، ترجمه گردد.

۵) امانت در ترجمه

رعایت تقوی و تقید به متن مورد ترجمه و به اصطلاح حفظ و رعایت امانت در ترجمه، رعایت این اصل در همه ترجمه‌ها لازم است و در ترجمه کلام خداوند واجب، خداوند در مورد حبیب خود نبی اکرم *صلی الله علیه و آله وسلم* می‌فرماید:

... لو تقول علينا بعض الاقاويل
لاخذنا منه باليمين ثم لقطعنا منه
الوتين ۷۷

طبیعی است که سایر آحاد بشر به طریق اولی باید رعایت کلام الهی را بنمایند و در ترجمه قرآن امانت در ترجمه کاملاً رعایت گردد. همچنین سبک متن مورد ترجمه نیز باید تا حد ممکن رعایت شود.

۶) مراجعه پیوسته به منابع

در ترجمه باید از تکیه به ذهنیات خودداری کرد و به علم اجمالی نسبت به واژه‌ها بسنده ننمود بلکه باید پیوسته به منابع و مآخذ رجوع شود این امر در ترجمه لزوم بیشتری دارد و باید از مراجعه به تفاسیر غفلت نشود.

۷) ایجاز

اطاله کلام در سخن و نوشتار موجب ملالت است لذا در ترجمه باید از اطاله کلام خودداری شود.

محمد بن عمر الرادویانی از علمای قرن پنجم می‌گوید:

بهترین ترجمه آن بود که معنی را تمام کند بالفظی موجز و بلیغ. ۷۸

۸) توضیحات

توضیحاتی که مترجم معمولاً برای روشن تر شدن معانی واژه‌ها و عبارتها در متن ترجمه بین هلالین می‌آورد نباید آن چنان زیاد باشد که از حد ترجمه خارج شود و یافتن ترجمه از شرح کاری دشوار گردد. ۷۹

۹) اصطلاحات

معانی و مفاهیم اصلی کلمه نباید با اصطلاحات جدید و تخصصی خلط گردد. مثلاً در ترجمه کلمه حکمت که در قرآن آمده است نباید اصطلاح رایج حکمت به معنی فلسفه مورد استفاده قرار گیرد.



در قرن بیستم که آن را بدرستی عصر ترجمه نامیده‌اند به تناسب افزایش کمی حجم ترجمه، کیفیت نیز بطور چشمگیری بهبود یافته است. بعد از پیروزی انقلاب، لازم است از یکسو بر ترجمه متون مذهبی که پشتوانه‌های اعتقادی انقلاب هستند نظارت کامل صورت بگیرد و از سوی دیگر هم در ترجمه‌های گذشته تجدید نظر شود و هم گورهای بیشتری از گنجینه متون مذهبی به فارسی زیبا و روان ترجمه شود تا عموم مردم بیش از پیش با معنی کلام مقدس آشنا شوند.

انواع ترجمه

انواع ترجمه را به سه نوع کلی می‌توان تقسیم نمود:

۱) ترجمه تحت اللفظی (= لغت). ترجمه کلمه به کلمه یا لغت به لغت.

این ترجمه در متون غیر مقدس و در متونی که تنها ترجمه نگاشته می‌شود و ترجمه همراه متن نمی‌آید، ترجمه‌ای نامفهوم، گنگ و نارسا است و عموماً آثرا تبیح کرده‌اند.^{۸۱} ولی این نوع ترجمه در متون مقدس و متونی که متن اصلی و ترجمه همراه هم می‌آید نه تنها قبیح نیست بلکه مطلوب و پسندیده است زیرا موجب می‌شود که متن اصلی بدون مراجعه به کتب لغت، تفهیم گردد و این نوع ترجمه به خصوص در ترجمه متون مقدس

بارقه‌ای از توجه و توفیق خداوند را کسب نماید می‌تواند ترجمه‌ای خداپسندانه ارائه نماید.

به عنوان خاتمه مبحث شرایط ترجمه، قسمتی از مقاله ضرورت تجدید نظر ترجمه‌های متون مذهبی از عربی به فارسی که در مجله مترجم^{۸۰}، به چاپ رسیده است نقل می‌کنیم:

در ترجمه باید از تکیه به ذهنیات

خودداری کرد

و به علم اجمالی

نسبت به واژه‌ها

بسند نه نمود

بلکه باید پیوسته

به منابع و مأخذ

رجوع شود

این امر در

ترجمه لزوم

بیشتری دارد و باید

از مراجعه به

تفاسیر غفلت نشود.

۱۰) نظم و بهم پیوستگی

در ترجمه قرآن باید نظم و پیوستگی آیات رعایت گردد و نباید معانی و مفاهیم عالی آیات را با افکار بشری تطبیق و معارف و حقایق متعالی قرآن را در حد فهم و فکر بشری تنزل داد، بلکه باید با استفاده از منابع مهم تفسیر تا حد توان در ارائه ترجمه‌ای گویا تلاش نمود.

۱۱) آگاهی به موضوع

در ترجمه هر متنی علاوه بر احراز کلیه شرایط ترجمه باید به موضوع مورد ترجمه کاملاً آگاهی و تسلط وجود داشته باشد. در ترجمه قرآن کریم، مترجم باید از علوم مربوط به قرآن که قطعاً در فهم و ترجمه آیات دخالت تام دارد آگاهی کامل داشته باشد. همچنین از روایات معتبر در ذیل آیات مدد جوید و از تاریخ و سنن الهی اطلاع کافی داشته باشد تا مسایل تاریخی قرآن را به خوبی درک نماید.

۱۲) تقیید به احکام و آداب

و متکی به عنایت الهی

مترجم باید به اخلاق و آداب و احکام الهی پای بند بوده و به لطف و عنایت الهی امیدوار باشد. در ترجمه قرآن آنچه بیش از همه مورد نظر است استفاده و انتقال روح و نور و لطایف قرآن است و مترجم اگر

مثل حدیث و ادعیه و قرآن کریم بسیار کاربرد دارد، زیرا مقصود اصلی خواننده خواندن متن است و از ترجمه تنها جهت فهم بیشتر و آگاهی از معنی واژه‌هایی که نمی‌داند استفاده می‌کند. نمونه این نوع ترجمه را در ترجمه‌های زیرنویس قرآن و ادعیه می‌توان یافت، از جمله ترجمه قرآن کریم در دوره معاصر توسط مرحوم محمد کاظم معزی و ترجمه‌های کهن که غالباً به این نحو بوده است. این نوع ترجمه اگرچه معنا و مفهوم کلی آیه را نرساند ولی برای فارسی‌زبانها که با متن قرآن آشنایی دارند و برای درک معانی لغت به ترجمه نیاز دارند، مفید است.

نکته قابل ذکر این است که مترجم این نوع ترجمه باید در آوردن معادلات هر کلمه بسیار دقیق بوده و از تکیه به ذهنیات خود پرهیز نماید و در ترجمه کلمات آیات باید وجوه و نظایر لغات را در نظر بگیرد بعضی از لغات که آوردن معادل آن در یک کلمه مقدور نیست در پاورقی توضیحات لازم را بیاورد.

۲) ترجمه روان (= ترجمه تفسیری = ترجمه توضیحی = ترجمه خوب = ترجمه در قالب زبان مقصد)

اینها و امثال آن تعابیری است که در مورد این نوع ترجمه آورده می‌شود. ترجمه‌ای که چون

خواننده آن را می‌خواند حتی بوی ترجمه ندهد و قالب زبان کاملاً رعایت گردد و دقیق و قوانین دستور زبان و اصول نگارش و ویرایش کاملاً رعایت شود، قوانین لازم در خصوص فعل و فاعل و مفعول و ضمائر و کنایات، فعل لازم و متعدی، مفرد و تثنیه و جمع، معلوم و مجهول، انواع تصغیر و ندا و خلاصه کلیه ریزه کاریهای هر دو زبان متن و ترجمه کاملاً رعایت شود و ترجمه‌ای سلیس و روان و رسا حاصل آید تا خوانندگان چون زرناب از آن بهره‌برگیرند و در مورد ترجمه قرآن عطش جان خود را به گوارای هدایت قرآن سیراب سازند و راه را برای تدبیر در این کتاب بی‌مانند و آسمانی باز نمایند، باشد که به سرچشمه زلال هدایت راه یابند و جان شیفته خود را به خالق هستی ره نمایند.

مترجم این نوع ترجمه قرآن، علاوه بر رعایت اصولی که در ترجمه تحت اللفظی قرآن رعایت می‌شد مانند آگاهی دقیق از مفردات لغت و وجوه و نظایر لغت و سایر اصول، باید از تفاسیر و سایر ترجمه‌های کهن تاکنون نیز بهره‌گیری و ترجمه صحیح و دقیق ارائه نماید.

۳) ترجمه آزاد

نوع سوّمی نیز وجود دارد که به آن ترجمه آزاد گفته می‌شود و آن

بدین نحو است که مترجم متن اصلی را می‌خواند و سپس مفهوم آن را در قالب زبان به دلخواه می‌ریزد. نمونه بارز این نوع ترجمه، ترجمه‌های مرحوم جواد فاضل از نهج البلاغه و صحیفه سجادیه می‌باشد. اما این نوع ترجمه در قرآن راهی ندارد زیرا چه بسا مترجم در این نوع ترجمه، به دلخواه حذف و اضافاتی بنماید که با ترجمه قرآن مناسبتی ندارد لذا می‌بینیم که همان «مرحوم جواد فاضل» نیز از ترجمه قرآن به این نحو خودداری کرده است.

در خاتمه امیدواریم که عمل ما برای رضای خدا بوده و جز حرف حق بر زبان نرانده باشیم.

«خدایا ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان عهد و پیمان قرآن چنگ می‌زنند و به روشنی صبحش راه می‌یابند و به اشراق و روشن‌گریش راه می‌جویند و از چراغش، چراغ می‌افروزند و از غیر آن هدایت نمی‌طلبند». ۸۲



۱- الرحمن: ۱-۲

۲- الملق: ۴ و ۵

۳- الاسراء: ۹

۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹

۵- اسماعیل بن حماد الجوهری (۴-۷۷۰ هـ)

۶) از پیشگامان لغت می‌باشد در کودکی



- از: فهرست کتابخانه موزا بریتانیا، مدعی شده است: «ترجمه قرآن به زبان فارسی قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی در هندوستان متجاوز از صد جلد کتاب است. ولی احتمالاً شامل ترجمه و تفسیرهای فارسی می باشد.
- ۲۶- تحسینی به معنای هم‌آورد طلبی و مبارزه طلبی بوده و قرآن کریم ابتدا از مخالفین می خواهد مانند قرآن را بیاورند (قصص: ۴۹ و ۵۰) و (اسراء: ۸۸) سپس درخواست آوردن ده سوره مانند قرآن می نماید (هود: ۱۳-۱۴) و پس از آن از این هم نزول کرده و درخواست آوردن فقط یک سوره می نماید (بقره: ۲۳-۲۴).
- ۲۷- نهج البلاغه با ترجمه فیض الاسلام، خطبه ۱۲۵.
- ۲۸- الحیوان: ۴: ۹۰.
- ۲۹- البیان والتبیین: ۱: ۲۱.
- ۳۰- بدیع القرآن، تألیف ابن ابی الاصبیح، ترجمه دکتر سید علی میرلوحی: ۳۹.
- ۳۱- هود: ۱۱/۲۴.
- ۳۲- بدیع القرآن، تألیف ابن ابی الاصبیح، ترجمه دکتر سید علی میرلوحی، صفحات ۲۸۱-۲۸۴، به اختصار و تغییر بمضی عبارات.
- ۳۳- پیکتال (مترجم انگلیسی قرآن) از سبک قرآن به سفنونی غیر قابل تقلید تعبیر نموده است.
- ۳۳- فرقان: ۱/۲۵.
- ۳۵- لبراهیم: ۱/۱۴.
- ۳۶- کیهان اندیشه، شماره ۲۸ بهمن و اسفند ۶۸ مقاله نقد ترجمه های معروف قرآن آقای دکتر سید عبدالوهاب طالقانی.
- ۳۷- اسراء: ۹.
- ۳۸- حجر: ۸۷.
- ۳۹- یس: ۲.
- ۴۰- حجر: ۱.
- ۴۱- بروج: ۲۱.
- ۴۲- واقعه: ۷۷.
- دانشه اند مانند پطرس بستانی در معجم محیط المحيط، و برخی نیز معرب از ترکمین آرامی ذکر کرده اند مانند فرایب اللغة العربیة، الاب رفاضیل نخله الیسوھی، وآراء دیگری نیز گفته اند.
- ۱۶- احمد بن محمد بن عمر، شهاب الدین الخفاجی المصری (۹۷۷-۱۰۶۹ هـ ق) صاحب تألیفات چندی و قاضی القضاة مصر از طرف سلطان مراد عثمانی.
- ۱۷- دیوان دین، حبیب الله نویخت، ص ۲۶.
- ۱۸- علی بن محمد علی الحسینی الجرجانی الحنفی مشهور به میرسید شریف (۷۴۰-۸۱۶ هـ ق) عالم در حکمت و ادب و لغت و دیگر علوم عربی و دارای مصنفات عدیده، (الاعلام، زرکلی: ۲: ۶۹۶)
- ۱۹- ترجمان القرآن، صفحه ۱ متن اصلی.
- ۲۰- همچنین، ترجمه «اسم مصدر» جمع آن: تراجم به معنی شرح حال و سیرت و بیوگرافی. و به معنی عنوان نامه شامل نویسنده و گیرنده «من محمد رسول الله الی کسری عظیم فارس». و رقعه غیر مترجمه نامه ای است که نویسنده آن معلوم نیست. «نامه بدون امضاء» (پطور مثال: معجم الادبایه: ۱: ۲۳۵، ... سمها رقعه غیر مترجمه ...).
- ۲۱- در تفسیر طبری و اساس البلاغه زمخشری و تفسیر ابن کثیر، نیز ترجمه به معنی بیان و تبیین و شرح و تفسیر آمده است به طور مثال تفسیر طبری (چاپ بولاق) ج ۱، صفحات: ۲۴، ۳۲، ۵۷، ۶۷ و ۷۵، «ناصر خسرو گفته است: علی را ترجمان وحی پندار هم آن معنی هم این معنی در او دان».
- ۲۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵.
- ۲۳- نهج البلاغه، حکمت ۲۹۳.
- ۲۴- اصول و مبانی ترجمه دکتر ظاهر صفارزاده: ۸ و ۷.
- ۲۵- دکتر جواد سلماسی زاده در کتاب «تاریخ ترجمه قرآن در جهان» ص ۸۸، به نقل از فاراب به عراق آمد و پس از سفر به حجاز سرانجام به نیشابور مراجعت نمود. (معجم الادبایه: ۲: ۲۶۹ و یتیمه للهر: ۴: ۲۸۹)
- ۶- ابوالقاسم الحسین بن محمد المعروف بالرافض الاصفهانی - زمان تولد وی نامعلوم است و در سال ۵۰۲ هـ ق در بغداد یا اصفهان از دنیا رفته است دارای کتب چندی بوده است. (آداب اللغة: ۳: ۴۴ و الاعلام: ۲: ۲۵۵)
- ۷- مسفردات الفاظ قرآن ص ۱۹۰ چاپ کتابفروشی مرتضوی تهران - چاپ دوم ۶۲.
- ۸- محمد بن مکرم بن علی بن منظور الافریقی (۳۰-۷۱۱ هـ ق) در مصر یا طرابلس بنیاد آمد. مدتی در طرابلس قضاوت می نمود و سپس به مصر بازگشت و حدود ۵۰۰ جلد کتاب نوشته است از جمله «مختار الاغانی»، «اخبار ابن نواس» و «لسان العرب» که مشهورترین آنها است. (فوات الوفیات: ۲: ۲۶۵ و بغیة الوعاة: ۱۰۶).
- ۹- لسان العرب: ۸: ۱۶۰ و ۱۶۱- طبع جدید ۱۸ جلدی با تنظیم علی سیری - دار احیاء التراث العربی - بیروت - لبنان - چاپ اول ۱۴۰۸ هـ ق.
- ۱۰- مدرک سابق: ۲: ۲۶
- ۱۱- الفیومی، احمد بن محمد (۴-۷۷۰) لغوی مشهور اهل قیوم مصر (الدرر الکامنة: ۱: ۳۱۴ و بغیة الوعاة: ۱۷۰ و کشف الظنون: ۱۷۱۰).
- ۱۲- محسن بن علی بن محمد رضا الطهرانی (۱۲۹۳-۱۳۸۹ هـ ق).
- ۱۳- الذریعة الی تصانیف الشیمة: ۴: ۷۲ و ۷۳- طبع: دار الاضواء - بیروت.
- ۱۴- یکی ترجمان را ز لشکر بجست که گفتار ترکان بدانند درست (شاهنامه فردوسی)
- ۱۵- عده ای از صاحبان معاجم نیز آن را از رجم کلدانی به معنی افکندن و اتداختن



- ۴۳- بقره: ۲.
- ۴۴- بقره: ۱۸۵.
- ۴۵- اسراء: ۸۲.
- ۴۶- اسراء: ۸۲.
- ۴۷- زمر: ۲۳.
- ۴۸- اعراف: ۲۰۳.
- ۴۹- آل عمران: ۱۳۸.
- ۵۰- نحل: ۸۹.
- ۵۱- فصلت: ۴۲.
- ۵۲- نوشیبهیکو ایزوتسو در کتاب «ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی و دینی در قرآن»، ص ۴۹، می‌نویسد: «آیات ترجمه شده قرآن حتی در بهترین صورتشان چیزی جز معادله‌های جزئی نیستند و از آنها فقط می‌توان بعنوان رهنمودهای ساخته و پرداخته‌ای در برداشتن گام‌های لرزان نخستین استفاده کرد...».
- ۵۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵.
- ۵۴- مشنوی، مولوی.
- ۵۵- کتاب «الحویان»، الجاحظ ۱: ۷۹-۷۵، به تحقیق و شرح عبدالسلام هارون، «قاهره: ۱۹۳۸».
- ۵۶- برگرفته از مقاله «استاد عبدالرحمن بدوی» ترجمه «اسماعیل سعادت» مجله نشر دانش، سال ۳، شماره ۳.
- ۵۷- از دانشمندان معاصر مصر و از شاگردان شیخ محمد عبده، وی تفسیر المنار را که عبده تا آیه ۱۲۶ نساء نوشته بود تا آیه ۱۰۱ سوره یوسف ادامه داد. همچنین مجله المنار نیز از او به یادگار مانده است.
- ۵۸- مقصود وی مترجمین غربی و غیرمسلمان است.
- ۵۹- «وحی محمدی» ترجمه «محمد علی خلیلی» ص ۱۱-۱۴.
- ۶۰- از جمله: التفسیر والمفسرون «الدهی» ج ۱ ص ۲۲-۳۰، مناهل العرمان فی علوم القرآن «الزرقانی» ج ۲، ص ۱۱۶-۱۸۷، مباحث فی علوم القرآن «مناع خلیل القطان، رئیس دیوان عالی قضایی در ریاض»، المعجزة الكبرى «محمد ابوزهره» ص ۶۹۱-۶۹۵، المؤلفات «الشاطبی، از بزرگان مذهب مالکی» ج ۲، ص ۴۲، مبحث منع ترجمه القرآن، الجام العموم «امام محمد فضالی» ج ۱، ص ۱۴-۱۹، المعارف «ابن قتیبه».
- ۶۱- ج ۲، ص ۱۷۳ و ۱۸۶.
- ۶۲- ابو عبدالله محمد بن ادیس که با ۷ واسطه به هاشم بن عبدالله المطلب می‌رسد. (متولد ۱۵۵ در غزوة فلسطين و متوفای ۲۰۴ هـ ق در قاهره)
- ۶۳- البحر المحیط فی الأصول - بدرالدین محمد بن عبدالله الزرکشی الشافعی (متوفای ۷۹۴).
- ۶۴- شعراء: ۱۵۹.
- ۶۵- از فقهاء و بزرگان مذهب شافعی.
- ۶۶- از جمله جلال الدین سیوطی- شافعی مذهب- در کتاب الاتقان فی علوم القرآن.
- ۶۷- اسامی آنان در مقدمه ترجمه تفسیر طبری آمده است. ج ۱، ص ۱۶.
- ۶۸- متولد ۱۲۸۹ هـ ق در صمید مصر و متوفای رمضان ۱۳۴۶ هـ ق در اسکندریه و در قاهره دفن شده وی از شاگردان شیخ محمد عبده بود.
- ۶۹- علیرغم این نظر عبده‌ای از علمای حنفی نیز با خواندن ترجمه قرآن در نماز مخالفت، در زمانی که مرحوم مصطفی مراهی این فتوا را صادر نمود مخالفت علمای دیگر آغاز شد و سلطان عبدالحمید دوم ترجمه قرآن را به زبان ترکی مطلقاً ممنوع کرد ولی پس از سقوط دولت عثمانی و تجزیه آن و ایجاد کشور ترکیه، ترجمه‌ها آغاز گردید و حتی به دستور آنتورک اذان، به ترکی گفته می‌شد که بعداً در اثر مخالفت متروک شد.
- ۷۰- مجموعه نظرات مراهی در کتاب «مبحث فی ترجمه القرآن واحکامها» توسط «دکتر صلاح الدین المنجد» جمع آوری و به چاپ رسیده است.
- ۷۱- وما لرسنک الا کلفة للناس (سبأ: ۲۷) تبارک الادی نزل الفرقان علی عبده لیکون للمعلمین نذیراً (الفرقان: ۱) و اوحی الی هذا القرآن لانیلکم به و من بلغ (الانعام: ۱۹) وآیات وشواهد زیاد دیگری که لزوم ذکر آن نیست.
- ۷۲- رج به: سه مقاله در تاریخ تفسیر و نحو، دکتر سید محمد باقر حجتی ویا مجله مقالات و بررسیها نشریه دانشکده الهیات تهران، شماره ۲۱ و ۲۲ سال ۵۲.
- ۷۳- در بین مذاهب اربعه اهل سنت، تنها ابوحنیفه (۸۰-۱۵۰ هـ ق) در برهه‌ای از اجتهاد خود به جواز خواندن ترجمه قرآن در نماز فتوی داد و رج به: المبسوط للامام السرخسی ۱: ۳۷ بدایع الصنائع، علامه‌الدین الکاشانی ۱: ۱۱۲.
- ۷۴- در بین مذاهب اربعه اهل سنت تنها حنفی‌ها مس ترجمه قرآن را نیز حرام می‌دانند. رج: الفقه علی مذاهب الخمسة: ۲۳۴.
- ۷۵- الذریعة الی تصانیف الشیخة ۴: ۱۲۴، (چاپ دارالاضواء- بیروت).
- ۷۶- اسراء: ۸۸.
- ۷۷- الحاشیة: ۴۶.
- ۷۸- ترجمه البلاغة، فصل فی الترجمة، ص ۱۱۵، به تصحیح احمد آتش ویا نقد ملک الشعرای بهار.
- ۷۹- به طور مثال ترجمه قرآن مرحوم فیض الاسلام ملاحظه شود.
- ۸۰- سال اول، شماره ۱، بهار ۷۰.
- ۸۱- از جمله مقاله «ترجمه یعنی خیانت» ترجمه کاظم کردوانی، که در این مقاله ترجمه کلمه به کلمه را خیانت می‌شمارد. «رج به فصلنامه ترجمه نشریه جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۳ و ۴ ص ۱۷۷-۱۹۱.
- ۸۲- صفحه سجاده، ده‌ای چهل و دوم.